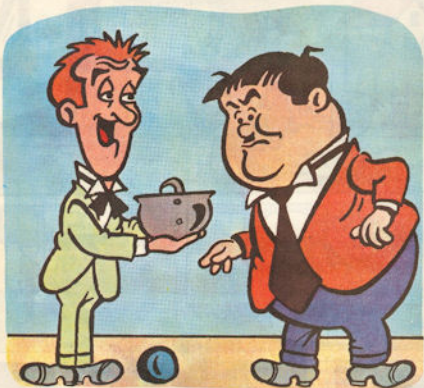


لورل و هاردي



لورل و هاردی



انتشارات پاینده - شادآباد
خران بخت - تلفن ۳۱۶۷۰۰

توجه تصاویر را

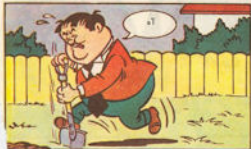
از طرف چاپ بر است ملاحظه فرمائید

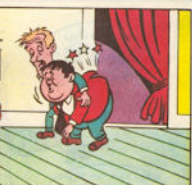
جمعه : حسین عطالی آشتیانی

چاپ پارت

بغ انتشار ۱۳۵۳

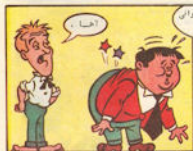
پشت درد هاردی :



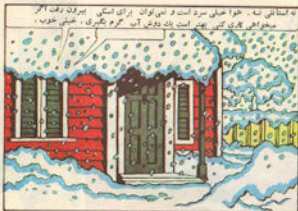


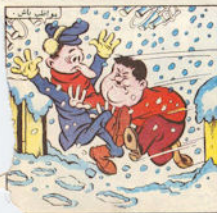






لورل هاردی
در
تعطیلات زمستانی .





مر لیکه احبب ، یگدار دسیم بنو برسد -
 وواش پاشای خولت پاش خاردی - تو



معلوم هست شما دو تا چه می کنید ، تمام شیشه های شیر مرا
 شکستید . لنها یکی از آنها باقی مانده ، اینرا هم بکن .

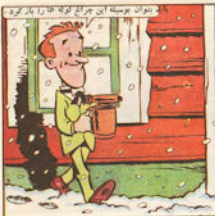


خاردی بیچاره معلوم است خیلی بدآورده بهار است کاری کنیم



شاید اگر بتوانیم لوله آب را باز کنیم ، زیاد از دست من نجاتی
 نتود . هر چه مشکلی است ولی سعی خواهیم کرد .





درانک چیلور شد.



جری برن: اِرا بخدا چیزی نگو.



انگرائی برای استانی است.



این انگرائی از همه ترولند من اورا است. او تعطیلات را در کنار ما خواهد بود و ما را بسا خود خواهد برد. باید بسا فرومگاه برویم، چه خوب شد.





عنه تورای توسن ، ما بنوع رسیدیم .



سلام استانی دوست تو
হারدی گو .

او اکنون سوار هواپیما
شده است . او خیلی دلت
میخواست تا ما باشد .

ایم .



হারدی خرخر می کند و بخواب
عمیق می فروخته است .

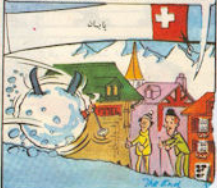
بند او وقتی بیدار شود
و به ایندینده رسیدیم
خوشحال خواهد شد .



نمی فهمم هاردی ، او تا حالا حتی یک کلمه حرف هم با ما
نکرده است .



من فکر می کنم او تصور کرده بود ما به منطقه ای گرمسیری
می روم . ناراحت نباش ، اکنون وی خواهد رسید .



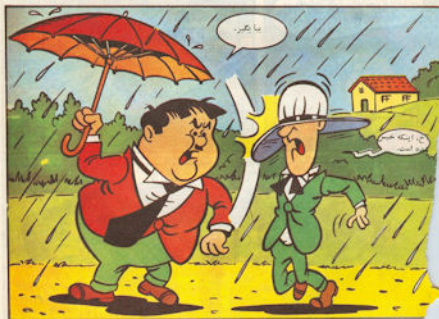
پایان

لورل و هاردی بگردش میروند :

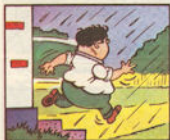
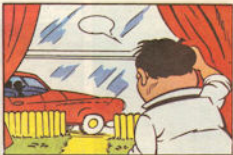








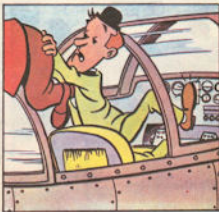
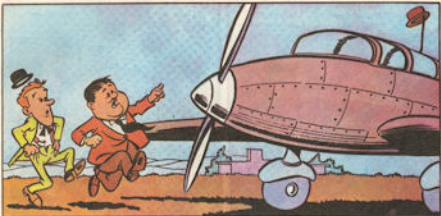


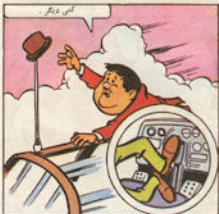


گرم شدن بلیط :

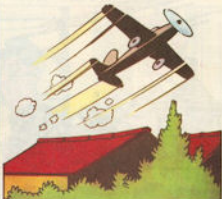
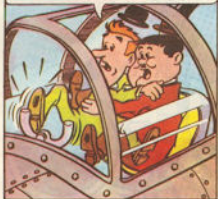








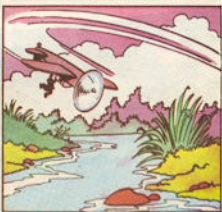
خاروی زودتر کاری بکن.

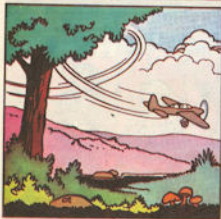


استانلی، داریم می‌افتم.



نمی‌توانم، مبارسم، خاروی، کلماتی، داریم.







بله کاپیتان



شیرینکاری بلد نیستی .



باین شاردی بلد کوسه ایضا حیل
گرفته است .



شتلپ

هیی . چکار دارک هی کنی .



استان تو که اینجا غرق میشوی
چه عمق آب بیشتر از چند
سانتیمتر نیست ؟

تسبیوداشتم شما را بجات
بردهم ولی ، دیگر اینکار
نمیشد



خوبی خوب بچه ها ، ناراحت
 نداشتید ، ما شما را سلامت به
 آنها با کمک خواهند کرد .
 کتبی خود باز می گردانیم .



ولی راه بند از این طرف
 نیست بلکه از طرف دیگر است .
 ما بروی با کمک دوستان
 خود به کتبی خواهیم رسید .



پس از چند لحظه فکر نمی کنیم
 کاری از این دو نفر ساخته
 باشد بهتر است از شر آنها
 خود را خلاص کنیم .



نگاه کن دو باره بر روی کتبین اقدام .





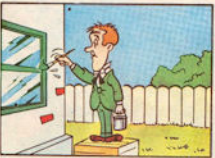
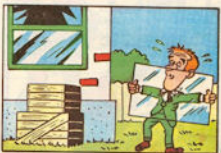
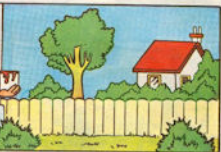


تعبیر کوچولو











لورل و هاردی

در

جنگوی گنج

مواظب اون جعبه‌ها باش مبارک
آنها بر زمین پاشداری -

معدرت می‌خواهم ، در آن جعبه‌ها چیست ؟



یکی از بهترین کشفیات باستان‌شناسی ، مربوط به دره نیل
بات اسکلت کامل دینوسور که ارزش زیادی دارد .

شیدی استانی ؟



آه ، استانی ؟



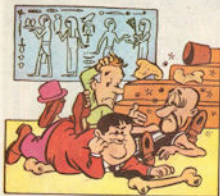
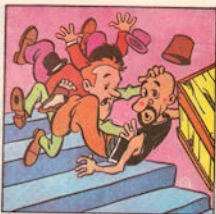
هوم فکر میکنم در پشت درهای این بهار دانه - به هاردی -
مشادی -



دست بچیزی از آن چه کوچکترین سر برای شکست نیچو
ساخته باوش و جاشو را از این سرور .

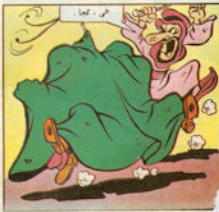
براستی ، هرگز در
این سازه چیزی
نشدید بوم .













بگذار دیگران بروند ، دیگر حسی نمیتوانیم قلمی برداریم
بگذار کمی استراحت کنیم .
فکر خوبی است .



خیلی خوب ، حال باید سعی
کنیم به هتل خود برگردیم .
هاردی ، حبه رفته اند .



هتل اینکته خوا خیلی گرم است ،
به به ، و چشدار کشیده ام
بده است .



آب ، آب .

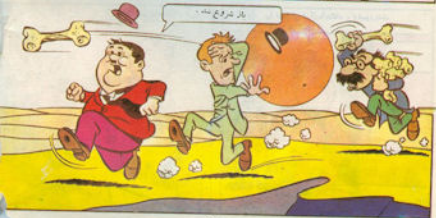
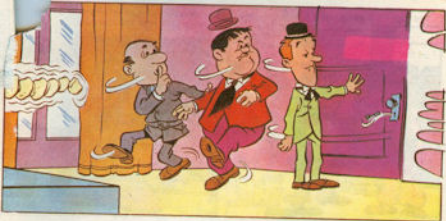


با استانی ، این فقط یک مرد است
به بین هاردی ، بالاخره به آب
رسیدیم .











المنشورات پارسا - شاد آباد
 حیدرآباد - تلکون ۳۱۶۲۰۰

۱۲۰ ریال